پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران و جمهوری آذربایجان

من هم یک آذری هستم

در نگاه ایرانیان، جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی، فرهنگی و دینی دارد. کشور آذربایجان واجد مرزهای مشترک است و جمهوری اسلامی ایران عملاً نشان داده که به تمامیت ارضی این کشور و سایر کشورهای مستقل احترام می‌گذارد. در کنار این استقلال انکارنشدنی و محترم جمهوری آذربایجان، مردمان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان مدافع فرهنگ و دیدگاه‌های سیاسی-اجتماعی خود هستند و در عین حال، بر تقویت مشترکات دو کشور سعی بلیغ دارند

یادداشت تحلیلی

دکترعلی اکبرولایتی
مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل

نگارنده سطور، پیش از این، در باب اهمیت توجه به ریشه‌های ملی، میهنی و جایگاه سترگ آذربایجان در تاریخ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران و منطقه در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، کتب و مقالات خود مطالبی ایراد کرده است که بیش از همه، مقاله‌ای به قلم نگارنده با عنوان «من هم یک آذری هستم» که در خبرگزاری تسنیم منتشر شده است، مورد توجه عموم و صاحب‌نظران قرار گرفته است.

در پی نگارش و انتشار این مقاله، برخی دلسوزان تاریخ و فرهنگ اسلام و ایران و کشورهای مسلمان منطقه و اهل تحقیق و مداقه در سیر تمدنی کشورهای بزرگ و پرافتخار منطقه، از نگارنده این سطور، خواستند که مطالبی در تکمیل مطالب پیش‌تر ارائه شده و در تبیین مطالب مهم دیگر در همین حوزه بنگارد که منجر به نگارش سطور پیش روی شده است.

نگارنده امید دارد این سلسله نوشتارها زمینه‌ساز تداوم پیوندها و وحدت مردم منطقه باشد و از این جهت، اثری دیرپا و ماندگار در این حوزه برجای بگذارد.

ایران سرزمینی بزرگ است که به‌دلایل متعدد ازجمله موقعیت ممتاز جغرافیایی و ویژگی‌های مردم‌شناسی، از سپیده‌دمان تاریخ تاکنون و در طول هزاره‌ها، در روند شکل‌گیری، تداوم و تعالی فرهنگ و تمدن بشری بر این کره خاکی نقش اساسی داشته و این جانب مدعی هستم که اساسی‌ترین نقش را داشته است. بخشی از این توان بالقوه ناشی از ویژگی‌های قومی اقوامی است که دست در دست هم نهادند و با اتحاد و همبستگی‌ای که در کل تاریخ حیات بشر در کره زمین کمتر نمونه مشابهی می‌توان برای آن یافت، محدوده جغرافیایی ایران‌شهر (ایرانویج؛ اوستایی: اَئیریَنَه وَیجَه) را بنیاد نهادند. یکی از این اقوام اثرگذار ایرانی را ما امروزه به نام قوم «آذری» و مسکن و موطن تاریخی این قوم را به نام سرزمین «آذربایجان» می‌شناسیم که خود متشکل از چند بخش است که در جغرافیای سیاسی امروز جهان، تنها بخشی از آن سرزمین باستانی، در محدوده مرزهای ایران قرار می‌گیرد و بخش‌های دیگر آن در کشورهای برادر و همسایه ایران قرار دارد.

در نگاه ایرانیان، جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی، فرهنگی و دینی دارد (جوادی ارجمند و فلاحی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۰). کشور آذربایجان واجد مرزهای سیاسی خود است و جمهوری اسلامی ایران عملاً نشان داده که به تمامیت ارضی این کشور و سایر کشورهای مستقل احترام می‌گذارد. در کنار این استقلال انکارنشدنی و محترم جمهوری آذربایجان، مردمان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان مدافع فرهنگ و دیدگاه‌های سیاسی-اجتماعی خود هستند و در عین حال، بر تقویت مشترکات دو کشور سعی بلیغ دارند.

یک طرف را عامل تقویت طرف مقابل می‌داند. از این منظر، دارایی‌های تاریخی، فرهنگی و دینی موجود در آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان «مواریث مشترک فرهنگی» دو کشور (مجیدی و صورانا‌ری، ۱۳۹۵، ص ۳۴۴) و سرمایه‌های بالقوه ارزشمند و بی‌بدیل زمینه‌ساز مشارکت‌های عمیق و گسترده فرهنگی و علمی در منطقه هستند. در مقام ارائه مثال و شاهد می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که همه مواریث ثبت‌شده فرهنگی جمهوری آذربایجان، مواردی هستند که جدا از تعلق به یک پیشینه تاریخی مشترک با ایران، امروزه در آذربایجان ایران و حتی در بخش‌های دیگر ایران، در زندگی روزمره و در فرهنگ مردم، جاری و مورد کاربرد، احترام و استفاده مردم هستند (مجیدی و صورانا‌ری، ۱۳۹۵، ص ۳۴۹).

در مقابل، بسیاری از رسوم ایرانیان، بویژه آذری‌های ایران، در جمهوری آذربایجان هم، رواج دارد نظیر شب یلدا (چله گئجسی)، آیین‌های نوروزی مانند مراسم چهارشنبه‌سوری (ایل آخیر چرشنبه‌سی)، قوشاخ سالاما یا شال سالاماق (رسم آویزان‌کردن شال و یا دستمالی از سوی پسران نوجوان در آستانه نوروز از روزنه پشت‌بام یا از لای در و پنجره برای دریافت هدایا از صاحب‌خانه) (علامی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹۶-۱۶۹۷؛ مجیدی و صورانا‌ری، ۱۳۹۵، ص ۳۴۹)، سفره هفت‌سین، رویانیدن سبزه، پخت سمنو، رنگ‌کردن تخم‌مرغ (یومورتدا بویاماغ)، دادن اسکناس‌های نو (ایل سوفته‌سی) و سیزده بدر (مجیدی و صورانا‌ری، ۱۳۹۵، ص ۳۹۵-۳۵۰) و نیز، آلات و ابزارهای موسیقی مشترک نظیر توتک، سورنا، نی، چنگ، بربط، چنگانه، چوغور، سنتور، تنبور، رباب، گوپوز، کمانچه و نقاره (**Atlas of Traditional Music of Azerbaijan**, ۲۰۱۴) و دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقایی ایرانی نظیر سه‌گاه، چهارگاه، پنج‌گاه، شور، همایون، رست و بیات ترک که در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم از سوی بزرگان موسیقی آذری چون مالک منصوراف، فرج رضایوف و جبار قریاقداوغلی آموزش داده می‌شدند. افزون بر اینها، موسیقیدانان آذربایجان آثار ماندگار خود در عرصه موسیقی نظری و عملی را مدیون نظریات و آثار صفی‌الدین اُرمَوی (۶۱۳-۶۹۳ق؛ موسیقیدان اهل ارومیه در قرن هفتم هجری قمری) و عبدالقادر مراغه‌ای (۷۵۷-۸۳۸ق؛ موسیقیدان اهل مراغه در قرن نهم هجری قمری) می‌دانند (**Baghirova, ۲۰۰۷, pp ۴-۵**؛ **Atlas of Traditional Music of Azerbaijan**, ۲۰۱۴؛ مجیدی و صورانا‌ری، ۱۳۹۵، ص ۳۵۰-۳۵۱).

آثار شعرایی همچون سید علی عمادالدین نسیمی (۷۴۷-۸۰۷ق؛ صوفی شیعه، فیلسوف، منطقی، منجم، طبیب و ریاضیدان و شاعر بزرگ فارسی، عربی و آذری‌گوی که او را در حلب، با شقاوت، پوست کندند و شقه کردند؛ شاعر رباعی معروف: من کنج لامکانم، اندر مکان نگنجم / برتر ز جسم و جانم، در جسم و جان نگنجم / وهم خیال انسان رو سوی من ندارد / در وهم از آن نیایم، در وهم از آن نگنجم)، ملا محمد بن سلیمان فضولی (شاعر فارسی، عربی و آذری‌گوی اهل حله و از پایه‌گذاران سبک هندی)، ابوالمکارم مجیرالدین بیلَقانی (وفات: ۵۸۶ق؛ شاعر فارسی‌گوی اهل شروان و شاگرد خاقانی)، هندوشاه نخجوانی (نویسنده، ادیب و شاعر قرن هشتم اهل نخجوان و مرید خاندان جوینی و نایب حکومت کاشان)، نظام‌الدین محمود ابوالعلاء گنجوی (وفات: ۵۵۴؛ شاعر فارسی‌گوی قرن ششم هجری قمری اهل گنجه و استاد و پدرزن خاقانی که تخلص خاقانی را برای دامادش برگزید)، خاقانی شروانی (شاعر معروف)، نظامی گنجوی (شاعر معروف)، مهستی گنجوی (شاعر فارسی‌گوی قرن پنجم و ششم هجری قمری از مردمان گنجه و هم‌دوره غزنویان و همسر ابن خطیب (که مناظرات او با وی در علوم مختلف معروف است)، مبدع مکتب شهرآشوب در قالب رباعی که از برجسته‌ترین رباعی‌سرایان ایران شمرده می‌شود و از سوی سلطان سنجر به لقب مهستی به معنی خانم‌بزرگ ملقب شد و شاعر رباعی معروف: ما را به دَم پیر، نگه نتوان داشت / در حجره دلگیر، نگه نتوان داشت / آن را که سر زلف چو زنجیر بوَد / در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت)، خورشیدبانو ناتوان (۱۳۱۵-۱۲۴۶ق؛ شاعر نامدار آذری و فارسی‌گوی و استاد نقاشی گل و بوته و مروارید‌دوز بسیار متبحر اهل شوشی قفقاز در قرن سیزدهم هجری قمری متخلص به «کنیز فاطمه(س)» از نوادگان خان معروف گنجه، جواد خان زیاداوغلی قاجار شاگرد آغابیگم آغا از زنان فتحعلی‌شاه در شعر و نقاشی و ادبیات عرب و فارسی و آثار فردوسی، نظامی، سعدی، حافظ، امیرعلیشیر نوایی و فضولی)، شاه حسین اردوبادی (شاعر و شاگرد معروف امیرعلیشیر نوایی در هرات که قصاید نغزش بی‌مانند بود)، شاه شروان، حاجی سیدعظیم شروانی (۱۲۵۱-۱۲۱۴ق؛ مترجم اشعار سعدی، مولانا، فضولی و جامی به زبان ترکی و شاعر فارسی، عربی و آذری‌گوی اهل شماخی شروان متخلص به سید؛ شاعر قصیده معروف با مطلع: فدا بوآستانین خاکینا جان، یا رسول‌الله / کی اهل درده‌دیر بو درده درمان، یا رسول‌الله)، میرزا صادق اردوبادی، محمدصالح بادکوبه‌ای، عهدی بادکوبه‌ای، جلال‌الدین محمد شروانی فلکی (۵۷۷-۵۴۰ یا ۵۸۷ق؛ منجم و شاعر سبک خراسانی قرن ششم هجری از مردم شماخی شروان و ملک‌الشعرا شروان‌شاه منوچهر بن فریدون)، شیخ ابراهیم قدسی گنجوی، میرزا محمدتقی قُمری گلزار دربندی (۱۳۰۹-۱۲۳۵ق؛ روضه‌خوان، مقتل‌نویس، شاعر و مرثیه‌سرای اهل دربند داغستان، پیرو محتشم کاشانی، خواجوی کرمانی و منوچهری دامغانی که اشعار فراوانی در مدح و مرثیه اهل بیت(ع) و بویژه حضرت سیدالشهدا امام حسین(ع) دارد)، نجمی شروانی (شاعر فارسی‌گوی اهل شروان سراینده مثنوی با مطلع: آباد از خیال تو ویرانه دل است / جان منی و جای تو در خانه دل است)، نشاط شروانی، سیدحسن واعظ شروانی (خطاط و شاعر فارسی‌گوی قرن دهم هجری قمری اهل شروان و سراینده بیت معروف: گفتی توان به آن مَه نامهربان رسید / گر بگذری ز خود، به خدا می‌توان رسید)، عتیقی شروانی (تربیت، ۱۳۱۴، ص ۱۸۷-۴۰۰) و اشعار طنزگونه با محتوای انقلابی-سیاسی میرزا علی‌اکبر صابر (۱۲۹۰-۱۲۴۱ش؛ شاعر انقلابی فارسی و آذری‌سرای اهل شماخی) که با نشر در روزنامه ملانصرالدین نقش ارزنده‌ای در بیداری آذربایجان ایران و انقلابیون مشروطه‌خواه تبریز داشت، مکاتبه شاعرانه میرزا علی‌اکبر صابر با سیداشرف‌الدین گیلانی معروف به نسیم شمال (۱۳۱۳-۱۲۴۹ش؛ نویسنده و مدیر روزنامه نسیم شمال از روزنامه‌های معروف دوران مشروطیت ایران)، اشعار اجتماعی و انتقادی آذری میرزا علی معجز شبستری (شاعر متفکر و منتقد اهل شبستر) (امیراحمدیان، ۱۳۸۴، ص ۷۸) و در قله این آثار، منظومه بلند و بسیار ارزشمند «حیدربابا»ی مرحوم استاد محمدحسین شهریار (۱۳۶۷-۱۲۸۵ش؛ شاعر بلندآوازه ایرانی ارادتمند به ائمه اطهار-علیهم‌السلام- و شیفته حافظ شیرازی و فردوسی طوسی) نمونه‌های دیگری از میراث مشترک فرهنگی آذری‌ها در ایران و جمهوری آذربایجان هستند (مجیدی، و صورانا‌ری، ۱۳۹۵، ص ۳۵۲).

طُرفه آنکه در حوزه میراث فرهنگی مکتوب، جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۵م، یک نسخه خطی درباره پزشکی و داروسازی را در سازمان یونسکو ثبت کرده است. این نسخه مجموعه‌ای منحصربه‌فرد و ارزشمند از دستنوشته‌های طبی و داروسازی است که شامل سه بخش است:

الف) ذخیره نظام‌شاهی نوشته رستم جرجانی

ب) القانون فی‌الطب نوشته ابوعلی سینا

ج) المقاله الثلاثون (سی‌مقاله یا التصریف لمن عجز عن التألیف) نوشته ابوالقاسم زهراوی.

کتاب اول از مجموعه ثبت‌شده از سوی جمهوری آذربایجان کتاب ذخیره نظام‌شاهی اثر حکیم رستم جرجانی (معرب گرگانی)، دانشمند ایرانی قرن دهم هجری قمری است. حکیم رستم از مردم گرگان بود که در اواسط قرن دهم هجری به هند مهاجرت کرد و کتابی در معرفی انواع داروهای مفرد و مرکب به تقلید از ذخیره خوارزمشاهی حکیم سیداسماعیل بن حسین علوی حسینی مشهور به سیداسماعیل جرجانی (۵۳۱ - ۴۳۴ق)، دانشمند بزرگ و نامدار شیعه ایرانی و از سادات حسینی اصفهانی ساکن گرگان، نوشت و آن را ذخیره نظام‌شاهی نام نهاد (افشار و دانش‌پژوه، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۳۸۵).

کتاب دوم از مجموعه ثبت‌شده از سوی جمهوری آذربایجان کتاب القانون فی‌الطب ابن سینا است. این کتاب، جامع‌ترین کتاب پزشکی اثر ابن سینا و شامل همه قوانین و دستورهای کلی و جزئی پزشکی و همه شاخه‌ها و رشته‌های نظری و عملی و نیز داروشناسی است. نویسنده این کتاب حجة الحق (نظامی عروضی، ۱۳۲۷ق، ص ۶۸)[۱] شرف‌الملک (ابن خلکان، ج ۱، ص ۱۶۷؛ بیهقی، ۱۳۱۸، ص ۲۹؛ همو، ۱۳۵۱، ص ۳۸) الشیخ‌الرئیس[۲] (ابن ابی‌اصیبعه، ۱۲۹۹ق، ج ۲، ص ۲) الحکیم‌الوزیر (بیهقی، ۱۳۱۸، ص ۲۹؛ همو، ۱۳۵۱، ص ۳۸) الدستور (همو، ۱۳۱۸، ص ۲۹) ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی سینا[۳] (صفا، ۱۳۸۴، ص ۳)، فیلسوف، پزشک و دانشمند جامع‌الاطراف ایرانی در قرن چهارم و پنجم هجری است. او ازجمله بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پزشکان دوران اسلامی ایران بود که اثری انکارناپذیر در تکوین پزشکی در جهان اسلام و ایران و نیز دانش جهانی گذاشته است (صفا، همانجا؛ سیدعرب، ۱۳۹۰، ص ۳۱۷).

نظامی عروضی در چهارمقاله (ص ۱۱۲) درباره قانون ابن سینا می‌نویسد: «اگر بقراط و جالینوس زنده شوند روا بُوَد که پیش این کتاب سجده کنند.» قانون افزون بر آنکه دارای روش علمی و متقن است، جامع جمیع اطلاعات اطبای بزرگ پیش از ابوعلی به اضافه مطالبی نیز هست که خود بر اثر تجارب، یا حدس، یا فراست، دریافت و به همین سبب بود که قدما، چون نظامی عروضی، فراگرفتن این کتاب را سبب استغنا از همه کتاب‌های دیگر طب مانند مجموعه سته‌عشر جالینوس و الحاوی محمد بن زکریا رازی و کامل‌الصناعة علی بن عباس اهوازی و المأئه فی الطب ابوسهل مسیحی می‌دانستند که همه از ارکان طب شمرده می‌شده‌اند (صفا، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳).

کتاب سوم در مجموعه ثبت‌شده از سوی جمهوری آذربایجان کتاب «سی جلد» یا التصریف از زهراوی اندلسی (وفات: حدود ۴۰۴ق) است. ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی اندلسی (معروف به البوکاسیس در غرب) پزشک و جراح و داروشناس شهیر مسلمان در قرن پنجم هجری بود. گفته می‌شود که وی پس از رازی و ابن سینا، سومین نابغه علم طب است. شهرت او بیشتر در جراحی بود و او را بزرگ‌ترین جراح مسلمان در طول تاریخ خوانده‌اند (شریف، ج ۳، ص ۴۸۵). وی نخستین کسی بود که بستن شریان‌ها را برای پیشگیری از خونریزی به‌کار برد و نخستین کسی بود که برداشتن کاسه زانوی شکسته با عمل جراحی را توصیه کرد. شریان‌ها را می‌بست و از نخ و زه برای بخیه‌کردن استفاده می‌کرد. او کوشید طبابت را از شیمی (کیمیا)، الهیات و فلسفه جدا کند. وی مدافع تخصص در بهداشت و سلامتی بود (ولایتی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۹۲ - ۲۲۹۳).

حاصل سخن فوق اینکه، فقط با بررسی یک نمونه از میراث مکتوب ثبت‌شده کشور همسایه، آذربایجان، عمق همبستگی و پیوندهای عمیق فرهنگی و تمدنی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان روشن می‌شود. افزون بر این نمونه‌ها، می‌توان به دانشمندان، وقایع‌نگاران، عالمان و هنرمندان بسیاری از جمهوری آذربایجان اشاره کرد که آثاری به زبان فارسی خلق کرده‌اند؛ نظیر آثار مهم حاج زین‌العابدین شیروانی (۱۱۹۳ق / ۱۷۸۹م)، شامل بستان‌السیاحة، حدائق‌السیاحة و ریاض‌السیاحة (سلماسی‌زاده و جعفری، ۱۳۹۱، ص ۹۸-۹۹)، گلستان ارم نوشته عباسقلی آقاباکیخانف (امیراحمدیان، ۱۳۸۴، ص ۷۷)، تلخیص‌الآثار فی عجایب‌الاقطار اثر عبدالرشید نوری باکویی، آثار میرزا محمد بن حسن شروانی شامل حواشی و تعلیقات بر معالم‌الاصول، شرح مطالع، شرح اشارات، شرح حکمت‌العین، رسائلی در کائنات جو و انموذج العلوم و هندسه، تألیفات کمال‌الدین مسعود شروانی ازجمله تعلیقات وی بر شرح حکمت‌العین مبارکشاه بخاری، شرح طوالع‌الانوار، شرح مواقف سیدشریف و شرح آداب البحث سمرقندی، تألیفات قاضی نجم‌الدین احمد نخجوانی ازجمله شرح کلیات قانون و تعلیقات انتقادی بر منطق اشارات ابوعلی سینا و آثار سیدیحیی بن سید بهاءالدین شروانی مانند اسرار الطالبین، شفاءالاسرار، اسرار الوَحی و شرح گلشن راز (تربیت، ۱۳۱۴، ص ۲۵۵-۴۰۰)؛ مجیدی و صورانا‌ری، ۱۳۹۵، ص ۳۵۱).

خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران تقریباً با همه کشورهای همسایه تاریخ مشترک، سنت‌های مشترک، و فرهنگ مشترک دارد. فوایدی بر ذکر این عوامل مشترک با همسایگان مترتب است که از آن‌جمله این است که نسل کنونی پیوندهای تاریخی ما همسایگان را فراموش نکنند. امروزه، یکی از مهم‌ترین عوامل تنازع بین کشورها اختلافات مرزی و به عبارت صریح‌تر، ادعاهای سرزمینی، در مناطق دیگری است که کشور مستقلی دارند. یادآوری تعامل مشترک بین همسایگان بزرگ‌ترین عامل یا عوامل مشترکی است که مانع از خصومت‌های ریشه‌دار و جنگ‌های بی‌پایان و بسیار آسیب‌رسان می‌شود

> خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران تقریباً با همه کشورهای همسایه تاریخ مشترک، سنت‌های مشترک، و فرهنگ مشترک دارد. فوایدی بر ذکر این عوامل مشترک با همسایگان مترتب است که از آن‌جمله این است که نسل کنونی پیوندهای تاریخی ما همسایگان را فراموش نکنند. امروزه، یکی از مهم‌ترین عوامل تنازع بین کشورها اختلافات مرزی و به عبارت صریح‌تر، ادعاهای سرزمینی، در مناطق دیگری است که کشور مستقلی دارند. یادآوری تعامل مشترک بین همسایگان بزرگ‌ترین عامل یا عوامل مشترکی است که مانع از خصومت‌های ریشه‌دار و جنگ‌های بی‌پایان و بسیار آسیب‌رسان می‌شود

کرده‌اند. پس گذشتگان ما با بصیرت کامل سعی می‌کردند که مشترکات خود را توسعه دهند. نمونه بسیار برجسته این تعامل سفر شمس تبریز به قونیه و برقراری رابطه تنگاتنگ مولوی با شمس تبریزی به مانند سالک و مرشد بوده که زبانزد است. در یک کلمه، مشترکات بین دو کشور همسایه و بین همسایگان و تقویت و تکیه بر آنها چون آب سردی بر آتش تنش‌های ناشی از عصبیت است.

این جانب قویاً اعتقاد دارم جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها از منافع و امنیت خود دفاع خواهد کرد، بلکه از منافع و امنیت کشورهای نزدیک و همسایه در منطقه دفاع خواهد کرد و آن را از وظایف و واجبات منطقه‌ای خود می‌داند. افراد مشخصی در دنیا هستند که مایل نیستند ایران سیاست اصلی خود را که همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با همکاری با کشورهای منطقه و دفاع از امنیت و آرامش منطقه است به عنوان یک وظیفه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کند.

ایران با هرچه که مخل امنیت منطقه باشد برخورد خواهد کرد و صراحتاً عنوان می‌کنیم که بعضی کشورهای باهویت مجعول مثل رژیم صهیونیستی و با ماهیت توسعه‌طلب مثل ایالات متحده امریکا به دنبال آن هستند که جمهوری اسلامی ایران و همسایگانش دچار مشکل شوند ولی به عنوان یک اصل راهبردی عنوان می‌شود که جمهوری اسلامی ایران با پایمردی و اصرار تمام، هم مدافع امنیت خود و هم حافظ امنیت منطقه است و به‌علاوه در صحنه بین‌المللی بخش مهم تلاش ما این است که هرچه زودتر این مناقشات زیان‌بخش و آسیب‌زننده به سرنوشت انسان خاتمه یابد. تا به حال از زمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌یک از ۱۵ کشور همسایه خود ابتدا به ساکن، تعرضی نداشته است و آغازکننده هیچ جنگی نبوده و نخواهد بود.

مردم آذربایجان مردمی مؤمن، سختکوش و تلاشگر هستند و به یاری خداوند، کشور خود را پیش برده‌اند و یقین دارند که جمهوری اسلامی ایران مدافع جمهوری آذربایجان در حفظ حقوق حقه خویش است. این به معنای تضییع حقوق دیگران نیست؛ بلکه اطمینان داریم که اگر طرف‌های اصلی موجود در قفقاز جنوبی، در جهت وظایف خود برای ایجاد آرامش و صلح تلاش نکنند برخی به دنبال گِل‌آلود کردن آب هستند تا ماهی مطلوب خود را بگیرند.

برش

ایران با هرچه که مخل امنیت منطقه باشد برخورد خواهد کرد و صراحتاً عنوان می‌کنیم که بعضی کشورهای باهویت مجعول مثل رژیم صهیونیستی و با ماهیت توسعه‌طلب مثل ایالات متحده امریکا به دنبال آن هستند که جمهوری اسلامی ایران و همسایگانش دچار مشکل شوند ولی به عنوان یک اصل راهبردی عنوان می‌شود که جمهوری اسلامی ایران با پایمردی و اصرار تمام، هم مدافع امنیت خود و هم حافظ امنیت منطقه است و به‌علاوه در صحنه بین‌المللی بخش مهم تلاش ما این است که هرچه زودتر این مناقشات زیان‌بخش و آسیب‌زننده به سرنوشت انسان خاتمه یابد. تا به حال از زمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌یک از ۱۵ کشور همسایه خود ابتدا به ساکن، تعرضی نداشته است و آغازکننده هیچ جنگی نبوده و نخواهد بود.

منابع

امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴). روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
جوادی ارجمندی، محمدجعفر؛ و احسان فلاحی (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی با تأکید بر ارمنستان و جمهوری آذربایجان»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، ش ۲، ص ۲۱۱-۲۲۸.
مجیدی، محمدرضا؛ و حسین صورانا‌ری (۱۳۹۵-پاییز و زمستان). «نقش مواریث مشترک فرهنگی در همگرایی ایران و جمهوری آذربایجان»، نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره نهم، ش ۲، ص ۳۴۳-۳۶۲.
Baghirova, Sanubar (۲۰۰۷). Azerbaijan Mugham between» Tradition and Innocation», Conference on Music in the World August, ۱۳-۸ ,of Islam, Assilah Available at: file://c:/users/a/pdf,.۲۰۰۷-Downloads/baghirova .(۲۰۱۴/۱۱/۲۱ :Accedded on
Atlas of Traditiobal Music of" Available at .(۲۰۱۴) «Azerbaijan http://atlas.musigi-dunya.az/en/ :instr-history.html, (Accessed on .(۲۰۱۴/۱۰/۲۱
محقق، مهدی، ۱۳۸۴ (مقدمه بر جراحی و ابزارهای آن) ← زهراوی.
زهراوی، خلف بن عباس (۱۳۸۴). جراحی و ابزارهای آن: ترجمه فارسی بخشی از کتاب التصریف لمن عجز عن التألیف، به کوشش احمد آرام و مهدی محقق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
شریف، میان‌محمد (۱۳۶۷). تاریخ فلسفه در اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
الگود، سیریل لوید (۱۳۵۲). تاریخ پزشکی ایران، ترجمه محسن جاویدان، تهران، اقبال.
ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، امیرکبیر.
افشار، ایرج؛ و محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۵۲). فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملک، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی.

[۱]. این لقب در قطعه مشهوری که در تاریخ حیات ابوعلی سینا سروده‌اند نیز آمده است (صفا، ۱۳۸۴، ص ۳).

[۲]. در وفیات‌الاعیان، این لقب «الرئیس» آمده و الشیخ‌الرئیس در واقع، دو لقب است که نخستین، «الشیخ» لقب علمی، و دومین، «الرئیس» لقب سیاسی او است که لابد پس از تعهد منصب وزارت بدان خوانده شد. اما این دو لقب معمولاً با هم و به هیأت یک واژه مرکب به کار می‌رود (صفا، ۱۳۸۴، ص ۳، پانوشت ۳؛ برای آگاهی بیشتر← ابن عبری، ۱۹۵۸، ص ۳۲۵).

[۳]. این سلسله نسب اشهر و اکمل و اَصَح انسابی است که برای ابوعلی سینا آورده‌اند (قفطی، ج ۲، ص ۲) و در مابقی مآخذ معمولاً نسب او را به اختصار، حسین بن عبدالله بن سینا ضبط کرده‌اند (صفا، ۱۳۸۴، ص ۳، پانوشت ۶).